



تخلفات ایران خودرو زیر ذره بین مجلس

علیرضا سلیمی

در نحوه واگذاری ایران خودرو شبهات و سؤالات جدی وجود دارد که تاکنون پاسخ قانع کننده‌ای بدان داده نشده است.



علی حدادی

روند رسیدگی به واگذاری ایران خودرو در قوه قضاییه باید تسریع شود، واگذاری ایران خودرو طبق اصل ۴۴ قانون اساسی صورت نگرفته است.



جعفر قادری

تجربه واگذاری‌های غیرشفاف و یا واگذاری مدیریت بدون نظارت (مانند آنچه در ایران خودرو شاهدیم)، زنگ خطر بزرگی را به صدا درآورده است.



نصرالله پژمانفر

امروز سؤال جدی افکار عمومی این است که چه شد آن افق روشنی درباره واگذاری ایران خودرو که قرار بود منجر به تولید بیشتر، قیمت مناسب و کیفیت بالاتر شود؟



علیرضا زندیان

نمایندگان در زمان واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی بارها تأکید کردند این شیوه واگذاری می‌تواند سبب ایجاد مشکل شود، متأسفانه اینگونه هم شد و مشکلات زیادی به وجود آمد.



علی خضریان

آنچه در واگذاری ایران خودرو رخ داد، عملاً تقویت انحصار و سپردن مدیریت آن از دولت به بخش خصوصی ای بود که می‌تواند با عدم تأمین قطعه سایر شرکت‌ها را به سمت نابودی ببرد.



رضا تقی‌پور

متأسفانه اتفاقی که با کم‌کاری و ترک فعل بورس اتفاق افتاد واگذاری نادرست و کاملاً غیرقانونی مدیریت ایران خودرو بود.



مصطفی پوردهقان

ایران خودرو با افزایش قیمت خودرو یک تخلف محض داشته است که ناشی از سکوت و انفعالی است که دولت در برابر این شرکت و سایر شرکت‌های انحصاری دارد.



اردوان اکبرپور

تصمیم‌گیری درباره یکی از مهم‌ترین نیازهای مردم عملاً به یک مجموعه خصوصی واگذار شده که شیوه قیمت‌گذاری آن، به التهاب بازار خودرو دامن زده است.



مصطفی طاهری

متأسفانه حکمرانی در حوزه خودرو بعد از واگذاری ایران خودرو به صفر رسیده است و هیچ کدام از مسئولان چه در قوه قضاییه، چه دولت و چه وزارت صنعت، معدن و تجارت مانعی برای یک‌تازی خودرو سازان ایجاد نمی‌کنند.



ابراهیم نجفی اسپیلی

اعمال ماده ۲۳۴ در صحن مجلس پیرامون نحوه واگذاری ایران خودرو مصوب و جهت رسیدگی به قوه قضاییه ارسال شد.



احمد آریایی‌نژاد

تنها راه حل برای رفع این مشکل شفاف‌سازی است تا مشخص شود ایران خودرو خارج از استاندارد، مدام نسبت به افزایش قیمت تولیداتش اقدام می‌کند.



سیدسلیمان ذاکر

درصدد هستیم تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد ایران خودرو را کلید بزنیم تا مشخص شود ریشه این اتفاقات ناگوار به کجا برمی‌گردد.



زهرا سعیدی مبارکه

ایران خودرو ادعا می‌کند که اگر قیمت محصولات خود را افزایش ندهد متضرر می‌شود و این در حالی است که هنوز نتوانسته کیفیت آنها را مطابق با استانداردها و انتظارات مصرف‌کنندگان ارتقا بخشد.



شکست مرکز مبادله از دلالات

با وجود چوب حراج ۲۱ تن شمش طلا در مرکز مبادله
قیمت شمش تاکنون ۷ برابر شده است
جهش ۵۰۰ درصدی قیمت سکه با وجود حراج
۱۰۳ میلیون قطعه سکه



به‌رغم فروش ۲۱،۴ تن شمش طلا در مرکز مبادله، قیمت شمش طلای یک کیلوگرمی (با عیار ۹۹۵) از ۳ میلیارد و ۶۰۳ میلیون تومان در اولین عرضه (به تاریخ چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲) با رشد نزدیک به ۷ برابری به حدود ۲۵ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در روزهای اخیر رسیده است. این تجربه نشان می‌دهد سیاست عرضه، اگر با ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی همراه نباشد، بیش از آنکه یک ابزار مؤثر برای کنترل قیمت باشد، چوب حراجی به منابع طلای بانک مرکزی خواهد بود.

دومین شکایت بانک مرکزی

از روزنامه چارسوق
همزمان با روز خبرنگار



بانک مرکزی دولت پزشکیان به ریاست عبدالناصر همتی، برای دومین بار از روزنامه چارسوق شکایت کرد. همزمان با روز خبرنگار، بانک مرکزی از روزنامه چارسوق بابت مطلب "کارنامه مردودی یک کارگروه" شکایت کرد. همچنین قوه قضاییه احضاریه‌ای برای مهدی مهرپور، مدیرمسئول این روزنامه ارسال کرده است. چارسوق در مطلب فوق نوشته بود: ثبت بالاترین تورم مواد غذایی چند دهه اخیر بیانگر ناکامی کارگروه تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم است که به ریاست عبدالناصر همتی در دولت چهاردهم شکل گرفته است. بنابراین با توجه به عملکرد منفی این کارگروه، تغییر رئیس یا سازوکار اجرایی آن ضروری است و گزینه ادامه فعالیت چنین کارگروهی، موجب تداوم تحمیل بالاترین تورم‌ها به مردم خواهد شد. بانک مرکزی چند روز قبل هم بابت مطلب "تسهیلات خُرد آخرین اولویت بانک مرکزی" از روزنامه چارسوق شکایت کرده بود.

گزارش

پزشکیان در حالی از واگذاری مدیریت ایران خودرو به شرکت قطعه ساز حمایت می کنند که این واگذاری در عمل به جهش ۱۷۰ درصدی قیمت محصولات و عبور ارزان ترین خودروی این شرکت از مرز ۱.۵ میلیارد تومان انجامید.

مسعود پزشکیان در گفت وگو با مردم گفت: کارخانه ایران خودرو را که واگذار کردیم، وزیر اقتصاد دولت استیضاح شد، وقتی اعلام می کنم که ما هر کاری می کنیم، یک مقاومتی بر علیه آن وجود دارد دقیقاً همین موضوع است.

پزشکیان در دوره انتخابات وعده آزادسازی واردات خودرو را داده بود اما حالا در دوره او، با نامه مدیریت بخش خصوصی ایران خودرو، ورود خودروهای وارداتی مناطق آزاد به سایر استان ها ممنوع اعلام می شود.

حالا ۱۵ ماه از واگذاری مدیریت ایران خودرو به یک شرکت قطعه سازی می گذرد اما آنچه امروز در بازار خودرو رقم خورده، تصویری کاملاً متفاوت از وعده های اولیه است.

میانگین قیمت محصولات ایران خودرو ۱۷۰ درصد افزایش یافته و هر خودرو به طور متوسط بیش از ۱.۲ میلیارد تومان گران شده است.

قیمت ها از مرز یک میلیارد عبور کرد

تا پیش از واگذاری، قیمت مصوب اغلب محصولات ایران خودرو - به جز شاسی بلند هایما و ریرا - زیر یک میلیارد تومان بود. اکنون حتی ارزان ترین محصول این شرکت، وانت آریسان، به بیش از ۱.۵ میلیارد تومان رسیده است.

نمونه بارز این جهش، پژو ۲۰۷ اتوماتیک سقف شیشه ای است؛ خودرویی که در دی ۱۴۰۳ حدود ۷۰۰ میلیون تومان قیمت داشت و اکنون به محدوده ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون

تومان رسیده و افزایشی بیش از ۱.۴ میلیارد تومانی در کمتر از ۱۸ ماه به ثبت رساند.

وعده هادر برابر واقعیت

مدافعان این واگذاری وعده داده بودند که مدیریت خصوصی به «افزایش بهره وری،

کاهش هزینه ها، ارتقای کیفیت و درنهایت کنترل قیمت خودرو» منجر خواهد شد اما نتیجه عملی در نقطه مقابل این وعده ها قرار گرفته است.

وزارت صمت با تأکید بر اینکه «با گذشت یک سال از مدیریت کروز بر ایران خودرو، هنوز

نشانه ای از تحولات وعده داده شده دیده نمی شود»، از «ضعف مدیریت و تداوم مشکلات گذشته» سخن گفته است.

انحصار: رنگ خطری که به صدا در آمد

نگرانی بزرگ تر اما فراتر از

قیمت هاست. واگذاری مدیریت بزرگ ترین خودروساز کشور به یک قطعه ساز، انحصاری تازه در زنجیره تأمین ایجاد کرده است. منتقدان معتقدند این اقدام «نه تنها به روح خصوصی سازی واقعی همخوانی ندارد،

بلکه مصداق روشن خصوصی سازی رانتی و انحصارگراییه است».

نگرانی از «تعارض منافع» در ساختار مدیریتی نیز جدی است؛ جایی که مدیریت خودروساز به جای خرید قطعه ارزان، ممکن است همواره قطعات گران قیمت را از قطعه ساز مرتبط ترجیح دهد.

واکنش نهادها: از مجلس تا وزارتخانه

واگذاری ایران خودرو به کروز از ابتدا با انتقادات گسترده همراه بود. حدود ۱۵۰ نماینده مجلس در نامه ای به رئیس جمهور نسبت به «تعارض منافع، انحصار و مخاطرات احتمالی» هشدار داده بودند.

مجلس شورای اسلامی با ۱۸۳ رأی موافق، گزارش کمیسیون صنایع و معادن درباره «ایرادات وارده به نحوۀ واگذاری» را برای بررسی به قوۀ قضائیه ارجاع کرد.

سخنگوی وزارت صمت نیز اعلام کرد با این واگذاری مخالف بوده است.

نقش وزارت اقتصاد نیز محل انهام باقی مانده؛ اگرچه در زمان واگذاری، وزیر اقتصاد وقت (عبدالنصر همتی) از جمله موافقان این تصمیم معرفی شد و با هماهنگی کردن سهام داران بانکی ایران خودرو این واگذاری را تسهیل کرد، اما در همان زمان این دخالت آشکار که اکنون پزشکیان از آن پرده برداشت، تکذیب شده بود.

البته وزیر بعدی اقتصاد هم نسبت به نحوه واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز انتقاداتی مطرح کرد وعده داد مشکلات واگذاری ایران خودرو در سایه پراکنده نخواهد شد و به همین منظور فرآیند واگذاری سایپا به بخش خصوصی را به تأخیر انداخت.

خصوصی سازی با انحصار؟

خصوصی سازی به خودی خود نه تنها مطلوب است، که ضرورتی انکارناپذیر برای خروج خودرو از وضعیت کنونی به شمار می رود اما آنچه در مورد

نقش وزارت اقتصاد نیز محل انهام باقی مانده؛ اگرچه در زمان واگذاری، وزیر اقتصاد وقت (عبدالنصر همتی) از جمله موافقان این تصمیم معرفی شد و با هماهنگی کردن سهام داران بانکی ایران خودرو این واگذاری را تسهیل کرد، اما در همان زمان این دخالت آشکار که اکنون پزشکیان از آن پرده برداشت، تکذیب شده بود

تخلفات ایران خودرو زیر ذره بین مجلس

طی ماه های اخیر، اقدامات مدیریت جدید شرکت ایران خودرو پس از خصوصی سازی، در افزایش مکرر قیمت محصولاتش، با انتقادات گسترده نمایندگان مجلس مواجه شده است. محصولات ایران خودرو پس از واگذاری مدیریت آن به شرکت کروز توسط دولت پزشکیان، تاکنون ۱۷۰ درصد گران شده است. در ادامه نمونه هایی از انتقادات گسترده نمایندگان مجلس از عملکرد شرکت ایران خودرو را گردآوری کرده ایم.

ابراهیم نجفی اسپیلی

در مجلس به دلیل ابهاماتی که پیرامون نحوه واگذاری ایران خودرو به کروز وجود داشت که یک شرکت قطعه ساز بود،

اعمال ماده ۲۳۴ در صحن مجلس پیرامون نحوه واگذاری ایران خودرو مصوب و جهت رسیدگی به قوه قضاییه ارسال شد. البته انتظار می رود کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نیز برای شفاف سازی پیرامون نحوه واگذاری سهام دولت در ایران خودرو به شرکت کروز، ورود پیدا کند چرا که این اقدام دارای ابهامات قانونی فراوانی است.

احمد آریایی نژاد

تنها راه حل برای رفع این مشکل شفاف سازی است یعنی مسئولان مربوطه اعلام کنند که مواد اولیه را با چه قیمتی به خودروسازان عرضه کرده اند تا مشخص شود ایران خودرو خارج از استاندارد مدام نسبت به افزایش قیمت تولیداتش اقدام می کند ضمن اینکه این شرکت نیز باید در خصوص علت افزایش قیمت تولیداتش و شورای رقابت هم در مورد دلیل عدم نظارت بر این بخش و نحوه صدور مجوز برای افزایش قیمت تولیدات خودرو سازی ها شفاف سازی کند.

زهراسعدی مبارکه

نمایندگان مجلس از حواشی ایجاد شده توسط ایران خودرو متأسف هستند چرا که از سال گذشته تاکنون بر ضرورت انتخاب پلتفرم های مطلوب در این حوزه و ارتقای ایمنی خودرو های داخلی تأکید کرده بودیم اما نتیجه مطلوبی را به همراه نداشت. ایران خودرو ادعا می کند که اگر قیمت محصولات خود را افزایش ندهد متضرر می شود و این در حالی است که هنوز نتوانسته کیفیت آنها را مطابق با استانداردها و انتظارات مصرف کنندگان ارتقا بخشد.



روح الله عباس پور

اقدام ایران خودرو برای افزایش قیمت محصولات خود اشتباهی بزرگ بود، با توجه به اینکه ایران خودرو در سال جاری چند مرحله نسبت به افزایش قیمت اقدام کرده بود بنابراین به هیچ وجه نمی توان این میزان افزایش قیمت مجدداً قابل قبول دانست.

سید سلمان ذاکر

چند بار افزایش قیمت محصولات ایران خودرو در یک سال به هیچ وجه قابل قبول نیست، ایران خودرو در حالی نسبت به افزایش قیمت چند ده درصدی محصولات خود اقدام کرده است که در چند ماه اخیر بدون اینکه فرآیند قانونی را طی کند قیمت آنها را افزایش داده بود. مشخص است که مدیرعامل ایران خودرو هنوز چوب اسلام را نخورده است. هم اکنون درصدد هستیم تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد این شرکت را کلید بزنیم تا مشخص شود ریشه این اتفاقات ناگوار به کجا برمی گردد ضمن اینکه دولت نیز باید در جهت حمایت از حقوق مصرف کنندگان، با این تخلف صورت گرفته به طور جدی برخورد کند.

رضانقی پور

ما بیش از یک سال گذشته نسبت به ایجاد این شرایط تضعیف حکمرانی دولت در بازار خودرو به عنوان تبعات جبران ناپذیر واگذاری ایران خودرو



مصطفی پوردهقان

ایران خودرو با افزایش قیمت خودرو یک تخلف محض داشته است که ناشی از سکوت و انفعالی است که دولت در برابر این شرکت و سایر شرکت های انحصاری دارد. هم اکنون هم دولت، هم شورای رقابت، هم سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان و هم سازمان تعزیرات حکومتی وظیفه دارند که از حقوق مردم دفاع کنند و با اعمال جریمه، این افزایش قیمت محصولات ایران خودرو را ملغی کنند تا تضمینات قانونی برای این حوزه اتخاذ شود.

اردوان اکبرپور

متأسفانه خودروسازان، به ویژه ایران خودرو که پس از واگذاری به شرکت کروز از وضعیت خصولتی خارج و به یک بنگاه خصوصی تبدیل شده است، قیمت محصولات خود را صرفاً بر مبنای سود



هشدار داده بودیم کما اینکه از ماه های مهر تا دی ماه چندین نامه با امضای تعداد زیادی از نمایندگان مجلس خطاب به روسای قوای سه گانه نوشتیم که تنها یک فقره از آن به امضای بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان رسیده بود. قطعاً این عدالت نیست که به نحوی حکمرانی صنعت و بازار خودرو تضعیف شود که حاصل آن وضعیت کنونی است که هر کسی خودسرانه برای خودرو قیمت تعیین می کند. متأسفانه اتفاقی که با کم کاری و ترک فعل بورس اتفاق افتاد واگذاری نادرست و کاملاً غیرقانونی مدیریت ایران خودرو بود و ما در این رابطه گزارش دادیم که تبعات آن وضعیت کنونی بازار است.

علی حدادی

روند رسیدگی به نحوه واگذاری ایران خودرو در قوه قضاییه باید تسریع شود. واگذاری ایران خودرو طبق اصل ۴۴ قانون اساسی صورت نگرفته است. طبق بررسی هایی که در کمیسیون انجام دادیم اعمال ماده ۲۳۴ برای نحوه واگذاری ایران خودرو که با ابهاماتی همراه است با اکثریت آرا مصوب و به صحن مجلس ارسال شد. در نهایت اعمال ماده ۲۳۴ پیرامون وجود ابهاماتی در نحوه واگذاری ایران خودرو در صحن مجلس نیز با اکثریت آرا به تصویب رسید و جهت بررسی به قوه قضاییه ارسال شد بنابراین هم کمیسیون و هم سایر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این زمینه به وظیفه نظارتی که برعهده داریم، عمل کرده ایم و ادامه رسیدگی به این موضوع بر عهده قوه قضاییه است که به عنوان مدعی العموم به این مهم ورود پیدا کند. تاکنون تحولی در صنعت خودروی کشور ایجاد نشده است و در نحوه واگذاری ایران خودرو هم ایراداتی وجود دارد ضمن اینکه باید در مورد قیمت گذاری ها، کیفیت خودروها، نحوه ثبت نام و تحویل خودرو به متقاضیان نیز پاسخگو باشند.



علیرضا سلیمی

در نحوه واگذاری ایران خودرو شبهات و سؤالات جدی وجود دارد که تاکنون پاسخ قانع کننده ای بدان داده نشده است. قرا بود بعد

از واگذاری ایران خودرو قیمت ها کاهش باید و کیفیت خودروها ارتقا داده شود بنابراین این سؤال مطرح می شود که چه اتفاق جدیدی بعد از این واگذاری افتاده است به غیر از اینکه قیمت خودروها به دفعات افزایش یافته و در کیفیت آنها تغییری ایجاد نشده است.



علیرضا زندیان

متأسفانه، شرکت ایران خودرو با افزایش شدید قیمت کارخانه ای می خواهد از تعدیل قیمت ها جلوگیری کند. نمایندگان در زمان

واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی راها تأکید کردند این شیوه واگذاری می تواند سبب ایجاد مشکل شود، متأسفانه اینگونه هم شد و مشکلات زیادی به وجود آمد از جمله اینکه شاهدی طی یک سال اخیر خودروسازان قیمت کارخانه ای خودرو را چند بار افزایش داده اند، این در حالی است که هزینه خودروسازان همچون هزینه ها و دستمزد کارگر، مالیات و انرژی به صورت ریالی بوده و افزایش آنها نیز درصد محدودی است اما ایران خودرو سایپا هر بار که اقدام به افزایش خودرو کردند، ارقام بالایی را به قیمت خودروی خود اضافه کردند و همواره هم نرخ ارز پای ثابت توجیه برای گرانی جدید بوده است.

علی خضریان

آنچه در این واگذاری ایران خودرو رخ داد، عملاً تقویت انحصار و سپردن مدیریت آن از دولت به بخش خصوصی ای بود که می تواند با عدم تأمین

قطعه سایر شرکت ها را به سمت نابودی ببرد. هشدار دادیم که واگذاری ایران خودرو به شرکت قطعه ساز کروز نه تنها با روح خصوصی سازی واقعی همخوانی ندارد، بلکه مصداق روشن خصوصی سازی رانتی و انحصارگراییه است، اما مسئولان ذی ربط نسبت به آن توجه لازم را نشان ندادند. مگر آقایان مدعی نبودند که با واگذاری ایران خودرو به بخش خصوصی، وضعیت کمیت و کیفیت تولید این شرکت افزایش خواهد یافت؟ چرا امروز مردم هم از کیفیت، هم از کمیت و هم از قیمت سرسام آور خودرو شاکی هستند؟ در حوزه خودرو سازی باید به سمت تقویت رقابت و دوری از انحصار حرکت می کردیم، اما آنچه در این واگذاری رخ داد، عملاً تقویت انحصار و سپردن مدیریت آن از دولت به بخش خصوصی ای بود که می تواند سایر شرکت ها را به سمت نابودی ببرد. این مسیر باید به سرعت اصلاح شود.

جعفر قادری

اگرچه ما راهی جز خصوصی سازی واقعی برای نجات صنعت خودرو نداریم، اما تجربه تلخ واگذاری های غیرشفاف و یا واگذاری

مدیریت بدون نظارت (مانند آنچه در ایران خودرو شاهدیم)، رنگ خطر بزرگی را به صدا آورده است. باید صادقانه پذیرفت که «انحصار بخش غیردولتی» به مراتب خطرناک تر نبوی رحمانه تر از «انحصار دولتی» است. در انحصار دولتی، نهادهای نظارتی و پاسخگویی های مستقیم تا حدی ترمز زیاده خواهی ها را می کشند، اما در انحصار خصوصی، اگر دولت به وظایف حاکمیتی و نظارتی خود عمل نکند، بنگاه صرفاً به دنبال حداکثرسازی سود به قیمت فشار بر مصرف کننده نهایی خواهد بود.

نصرالله پژمانفر

امروز سؤال جدی افکار عمومی این است که چه شدن افق روشنی درباره واگذاری ایران خودرو که قرار بود منجر به تولید بیشتر، قیمت مناسب و کیفیت بالاتر شود؟ متأسفانه در عمل نشان داد شد که این حرف ها چیزی جز یک «شوی تبلیغاتی» نبوده است؛ اما کمیسیون اصل نود مجلس با قاطعیت پیگیر حقوق مردم در این پرونده خواهد بود.

مصطفی طاهری

تاکنون سابقه نداشته است که در زمان جنگ خودروسازان نسبت به افزایش قیمت اقدام کنند و این در حالی است ایران خودرو در همان اوایل جنگ قیمت تولیدات خود را افزایش داد آن هم در شرایطی که قبل از آن چندین مرحله افزایش قیمت داده بود. مدیران ایران خودرو که در گذشته پرونده چند همتی گران فروشی داشتند یعنی یک تعارض منافی در ایران خودرو کروز وجود دارد و حتی اگر مستندات می توان حدس زد که وقتی یک خودروسازی که خودروی می فروشد و تأمین کننده قطعاتش نیز باشد سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان و شورای رقابت در تعیین قیمت به مرحله پایین تر که نهاد می شود، ورود پیدا نمی کند و این واقعاً نقطه ضعفی است که شورای رقابت باید در مورد آن پاسخگو باشد چرا که مربوط به حق و حقوق مردم است و ثابت شده است که یک بخشی از گرانی خودرو به این تعارض منافع برمی گردد. ما در مجلس با یک رأی بسیار بالایی در انتقاد به نحوه واگذاری ایران خودرو اعمال ماده ۲۳۴ را تصویب کردیم چرا که این نوع واگذاری از نظر نمایندگان هم کمیسیون صنایع و معادن و هم صحن مجلس ایرادات جدی دارد که در این جنگ نیز خود را نشان داد بنابراین قوه قضاییه باید به این موضوع ورود کند.

برای حفظ ثبات مالی متحدها خود، حتی به مداخله مستقیم در بازار ارز متوسل شود. برخی کارشناسان معتقدند این پیام می تواند بر انتظارات سایر اقتصادهای آسیایی نیز اثرگذار باشد.

اختلاف نظر اقتصاددانان

با وجود استقبال اولیه بازار، همه تحلیلگران نسبت به موفقیت این اقدام خوش بین نیستند. رابین بروکس، از اقتصاددانان برجسته، معتقد است مداخله ارزی فقط می تواند برای مدت کوتاهی بازار را آرام کند و تا زمانی که سیاست پولی ژاپن تغییر نکند، فشار برین ادامه خواهد داشت.

وی تاکید می کند بانک مرکزی ژاپن هنوز هم با خرید گسترده اوراق قرضه، هزینه استقرار را پایین نگه می دارد و همین موضوع اجازه نمی دهد نرخ بهره متناسب با شرایط بازار افزایش پیدا کند. در نتیجه، از نگاه وی، عوامل بنیادی که باعث ضعف ین شده اند همچنان پابرجا هستند.

ایهام درباره شیوه مداخله آمریکا

یکی از بحث برانگیزترین بخش های عملیات اخیر، گزارش هایی بود که نشان می داد آمریکا برای خرید ین به جای فروش دلار، بخشی از ذخایر یورویی خود را فروخته است که این موضوع برخلاف رویه سنتی مداخلات ارزی است؛ زیرا معمولاً چنین عملیات هایی از طریق ذخایر دلاری انجام می شود.

برخی اقتصاددانان هشدار داده اند که اگر این گزارش ها صحیح باشد، بازار ممکن است درباره انگیزه واقعی واشنگتن دچار تردید شود و اثربخشی مداخله کاهش یابد. در مقابل گروهی دیگر معتقدند این روش صرفاً برای جلوگیری از فشار بیشتر بر بازار خزانه داری آمریکا انتخاب شده است.

ایمادات بیشتری در راه است؟

اظهارات مقام های دو کشور نشان می دهد پاسخ این پرسش احتمالاً مثبت است. وزارت دارایی ژاپن اعلام کرده در صورت مشاهده نوسانات غیرعادی از انجام مداخلات بیشتر خودداری نخواهد کرد. اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا نیز تاکید کرده که واشنگتن همچنان در ارتباط نزدیک با توکیو قرار دارد و در صورت نیاز، برای انجام عملیات مشترک جدید تردیدی نخواهد داشت. همین موضع گیری باعث شده معامله گران با احتیاط بیشتری علیه ین موقعیت فروش باز کنند؛ زیرا احتمال مداخله مجدد اکنون بسیار بیشتر از گذشته ارزیابی می شود.

چشم انداز بازار

هرچند مداخله مشترک آمریکا و ژاپن توانست در کوتاه مدت از شدت سقوط ین جلوگیری کند اما اکثر مؤسسات مالی بین المللی معتقدند سرنوشت بلندمدت این ارز نه در هر بازار مداخله، بلکه در ساختمان بانک مرکزی ژاپن تعیین خواهد شد. تا زمانی که اختلاف نرخ بهره میان آمریکا و ژاپن پابرجا باشد، سرمایه همچنان به سمت دارایی های دلاری حرکت خواهد کرد و فشار برین ادامه می یابد. در مقابل، اگر بانک مرکزی ژاپن روند عادی سازی سیاست پولی را سرعت بخشد، نرخ های بهره را افزایش دهد و وابستگی

خود به خرید گسترده اوراق قرضه را کاهش دهد، احتمال بازگشت تدریجی ثبات به بازار ارز این کشور افزایش خواهد یافت.

در مجموع، مداخله اخیر را می توان یکی از مهم ترین رخداد های ارزی سال ۲۰۲۶ دانست؛ رخدادی که نه فقط آینده ین، بلکه مسیر بازار اوراق قرضه آمریکا، جریان سرمایه جهانی و حتی مناسبات اقتصادی واشنگتن و توکیو را تحت تأثیر قرار داده است.

موقعیت با شکست این اقدام نیز به احتمال زیاد در ماه های آینده و هم زمان با تصمیم های بانک مرکزی ژاپن درباره نرخ بهره و سیاست های پولی مشخص خواهد شد.



تقلای واشنگتن برای مهار بی ثباتی در اوراق خزانه داری آمریکا بانجات ین

گزارش

در یکی از کم سابقه ترین تحولات سه دهه اخیر بازار، آمریکا و ژاپن با اجرای مداخله ای هماهنگ برای حمایت از ین، بار دیگر به طور مشترک وارد بازار شدند؛ اقدامی که برای نخستین بار از سال ۱۹۹۸ انجام می شود و بیش از آنکه صرفاً با هدف تقویت پول ملی ژاپن باشد، تلاش برای جلوگیری از بی ثباتی در بازار اوراق خزانه داری آمریکا و مهار تبعات ضعف تاریخی ین بر نظام مالی جهانی است.

در اتفاقی کم سابقه در بازارهای مالی جهان، ایالات متحده و ژاپن با اجرای یک مداخله هماهنگ ارزی برای حمایت از ین ژاپن، بار دیگر توجه سرمایه گذاران را به شکندگی نظام مالی جهانی جلب کردند؛ اقدامی که نخستین عملیات مشترک دو کشور برای خرید ین از سال ۱۹۹۸ به شمار می رود و از نگاه بسیاری از تحلیلگران، بیش از آنکه صرفاً تلاشی برای تقویت پول ملی ژاپن باشد، اقدامی پیشگیرانه برای جلوگیری از سرایت بحران به بازار اوراق قرضه آمریکا و نظام مالی بین المللی است.

وزارت دارایی ژاپن تأیید کرده که این عملیات روز جمعه با هماهنگی مستقیم وزارت خزانه داری آمریکا انجام شده و دو کشور همچنین اعلام کرده اند در صورت ادامه نوسانات شدید بازار، برای انجام مداخلات مشترک بیشتر نیز آمادگی دارند که نشان می دهد این اقدام، یک عملیات مقطعی نیست و می تواند آغاز مرحله تازه ای از همکاری ارزی میان دو متحد باشد.

سقوط ین به پایین ترین سطح چهار دهه اخیر

در هفته های گذشته، فشار فروش برین به شدت افزایش یافت و ارزش این ارز تا سطح ۷۳.۱۶۳ در برابر هر دلار سقوط کرد که یکی از ضعیف ترین نرخ های ثبت شده برای پول ملی ژاپن در حدود ۴۰ سال گذشته محسوب می شود اما فقط چند ساعت پس از ورود هماهنگ آمریکا و ژاپن به بازار، نرخ برابری تا حدود ۵۷.۱۵۷ ین در برابر دلار بهبود یافت و بخش مهمی از افت اخیر جبران شد. همین واکنش سریع بازار نشان داد که حضور هم زمان وزارت خزانه داری آمریکا و وزارت دارایی ژاپن، وزن روانی بسیار بیشتری نسبت به مداخلات یکجانبه توکیو دارد و معامله گران احتمال تکرار چنین اقداماتی را جدی گرفته اند.

چرا کشورهای عربی برای توقف جنگ به سراغ چین رفتند؟

بر اساس گزارش رویترز، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از چین خواسته اند از نفوذ خود بر ایران برای کاهش تنش با آمریکا استفاده کنند. این درخواست نشان می دهد آنها میانجی گری را نیازمند قدرتی می دانند که تهران به آن اعتماد نسبی داشته باشد و از ابزارهای اقتصادی گسترده برای پشتیبانی از تعهدات برخوردار باشد. چین شریک اول تجاری ایران، خریدار اصلی نفت کشور و دارای روابط گسترده با دولت های عربی منطقه است؛ از این روی می تواند در تأمین مالی بازسازی ایران، حمایت از ترتیبات کاهش تنش و ایجاد اطمینان درباره اجرای تعهدات نقش داشته باشد. مسئله اصلی اکنون میزان آمادگی پکن برای تبدیل نفوذ اقتصادی خود به نقش سیاسی فعال تر است.

به گزارش مسیر اقتصاد، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در هفته های اخیر از چین خواسته اند برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا فعال تر شود. به گزارش رویترز، این کشورها انتظار دارند پکن از روابط اقتصادی و سیاسی خود با تهران برای متقاعد کردن دو طرف به توقف درگیری استفاده کند. رجوع آن ها به چین اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا آمریکا خود یکی از طرف های جنگ است و تلاش هایش تاکنون به پایان درگیری منجر نشده است. این درخواست نشان می دهد کشورهای منطقه

اوراق خزانه داری آمریکا، این اوراق را به طور موقت نزد فدرال رزرو وثیقه گذاشته و نقدینگی دلاری دریافت کنند. به بیان ساده، ژاپن می تواند برای تأمین دلار مورد نیاز مداخله ارزی، به جای فروش اوراق خزانه داری آمریکا، از این تسهیلات استفاده کند. این موضوع دو مزیت مهم دارد؛ نخست آنکه بازار اوراق خزانه آمریکا تحت فشار فروش قرار نمی گیرد و دوم اینکه ژاپن بدون کاهش ذخایر سرمایه گذاری خود، توان بیشتری برای دفاع از ین خواهد داشت.

برخی استراتژیست های بازار حتی معتقدند اعلام استفاده از FIMA از خود عملیات خرید ین مهم تر بوده، زیرا پیام روشنی به بازار داده که آمریکا اجازه نخواهد داد مداخلات ارزی باعث آشفتگی بازار بدهی این کشور شود.

نگرانی فراتر از بازار ارز

تحلیلگران هشدار می دهند که ضعف ین فقط یک مشکل ارزی نیست و ادامه کاهش ارزش پول ملی ژاپن می تواند سرمایه گذاران را به فروش بیشتر اوراق قرضه دولتی ژاپن سوق دهد و هم زمان بازده این اوراق را افزایش دهد. از آنجا که بازار بدهی ژاپن یکی از بزرگ ترین بازارهای اوراق قرضه جهان است، هرگونه جهش در بازده اوراق این کشور می تواند بازارهای بدهی اروپا و آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

اخیر پیش از آنکه برای نجات ین باشد، برای جلوگیری از وقوع یک بحران بزرگ تر در بازارهای مالی جهانی طراحی شده است.

بعد از پولیتیکای ماحرا

ابعاد این مداخله فقط اقتصادی نیست و دونالد ترامپ اعلام کرده آمریکا در پاسخ به درخواست ژاپن و برزی حفظ ثبات اقتصاد جهانی واردین عملیات شده اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند این اقدام پیام سیاسی مهمی نیز برای چین دارد.

همکاری مستقیم واشنگتن و توکیو در حساس ترین بازار مالی جهان نشان می دهد اتحاد اقتصادی دو کشور وارد مرحله تازه ای شده و آمریکا حاضر است

فارس دارد. همین موقعیت باعث شده پکن از معدود قدرت هایی باشد که هم در تهران و هم در پایتخت های عربی کانال های مؤثر در اختیار دارد. چین می تواند در تأمین مالی بازسازی زیرساخت های ایران، اجرای طرح های انرژی و حمل و نقل و تشکیل صندوق های سرمایه گذاری مشارکت کند. این مشارکت می تواند بخشی از مطالبات ایران درباره جبران خسارت های جنگ را به برنامه های اجرایی تبدیل کند. پکن همچنین قادر است در مذاکرات مربوط به کاهش حضور و فعالیت نظامی آمریکا نقش سیاسی داشته باشد. چین اختیار تصمیم گیری

شاید مهم ترین پرسش این باشد که چرا واشنگتن، برخلاف رویه چند دهه اخیر، تصمیم گرفت مستقیماً وارد بازار ارز شود؟ پاسخ بسیاری از اقتصاددانان به بازار اوراق خزانه داری آمریکا ختم می شود. ژاپن بزرگ ترین دارنده خارجی اوراق خزانه داری آمریکاست و صدها میلیارد دلار از بدهی دولت آمریکا را در اختیار دارد.

اگر توکیو برای دفاع از ارزش ین مجبور می شد منابع دلاری جدید تأمین کند، ساده ترین راه فروش بخشی از این اوراق بود. چنین اقدامی می توانست پیامد های سنگینی برای اقتصاد آمریکا از جمله افزایش بازده اوراق خزانه داری، بالا رفتن هزینه استقرار اوراق خزانه داری، افزایش نوسان دلار و انتقال بی ثباتی به سایر بازارهای مالی جهان داشته باشد. به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند واشنگتن با مشارکت در این عملیات، در واقع از بازار بدهی خود محافظت کرده است. به گفته کارشناسان آکسفورد اکتونومیکس، در این تصمیم (عصر حفظ منافع آمریکا) به وضوح دیده می شود؛ زیرا بی ثباتی ناشی از فروش گسترده اوراق خزانه داری می توانست به سرعت به کل نظام مالی آمریکا سرایت کند.

ایزار FIMA: مهم تر از خود مداخله

یکی از مهم ترین بخش های این رویداد که کمتر مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته، اعلام استفاده ژاپن از سازوکار FIMA Repo Facility فدرال رزرو است. این ابزار به بانک های مرکزی خارجی اجازه می دهد بدون فروش

بر عهده کشورهای ساحلی و طرف های مرتبط خواهد بود.

چین تا چه اندازه آماده ورود است؟

چین رابین های خود با ایران، پاکستان و کشورهای عربی را افزایش داده و خواستار توقف درگیری و بازگشت به مذاکره شده است. ایران نیز رسماً از پکن خواسته نقش

مهم تر در کاهش تنش ایفا کند. با این حال، پکن تاکنون از تعهد امنیتی مستقیم با اعمال فشار علنی بر ایران پرهیز کرده است. اولویت چین حفظ روابط هم زمان با ایران و دولت های عربی و جلوگیری از ورود به تقابل مستقیم با آمریکاست. به همین دلیل هنوز مشخص نیست چین قصد دارد از سطح

رابرئی های دیپلماتیک فراتر برود یا نه. مراجعه کشورهای عربی به پکن یک تحول مهم است. این ها در واقع اندک کاهش تنش بدون حضور میانجی موره قبیول ایران و برخوردار از امکانات اقتصادی گسترده دشوار خواهد بود. چین این ظرفیت را دارد و ورود فعال تر آن می تواند اجرای بخشی از شروط ایران و شکل گیری یک توقف قابل اتکاتر در درگیری را تسهیل کند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا پکن حاضر است جایگاه خود به عنوان شریک اول اقتصادی ایران را به اهرمی برای میانجی گری تبدیل کند و برای موفقیت این روند، تعهدات اقتصادی مشخصی بپذیرد؟



به یک میانجی قدرتمند با ابزارهای اقتصادی و سیاسی متنوع نیاز دارند. پاکستان، عمان و قطر می توانند پیام ها را منتقل و مذاکرات را تسهیل کنند؛ اما اجرای تعهدات اقتصادی گسترده به حضور قدرتی با توان مالی، سرمایه گذاری

بی اعتمادی، مانع اصلی کاهش تنش

شکست تفاهم پیشین ایران و آمریکا فقط ناشی از اختلاف بر سر مفاد آن نبود. دو طرف به اجرای تعهدات یکدیگر اعتماد نداشتند و سازوکار مؤثری نیز برای تضمین اجرای وعده ها وجود نداشت. سابقه خروج آمریکا از توافق هسته ای عمل نکردن واشنگتن به تعهدات اقتصادی، پذیرش وعده های جدید را برای ایران دشوار کرده است. در نتیجه، میانجی آینده باید توان پشتیبانی عملی از تعهدات را داشته باشد. انتقال پیام یا اعلام حمایت سیاسی برای ایجاد اعتماد کافی نیست. ایران برای توقف درگیری خواسته هایی مانند جبران خسارت، تأمین منابع بازسازی و کاهش تهدید نظامی آمریکا دارد. تحقق این مطالبات به قرارداد های مالی، سرمایه گذاری های واقعی و ترتیبات سیاسی قابل پیگیری نیازمند است.

چین چه ابزارهایی در اختیار دارد؟

چین بزرگ ترین شریک تجاری ایران است و روابط اقتصادی گسترده ای نیز با عربستان، امارات، قطر و دیگر کشورهای حاشیه خلیج

اخبار



آدرس اشتباه تورم؛ چرا نقدینگی تنها مقصر نیست؟

محمد امین حق گو

پژوهشگر اقتصادی

رشد نقدینگی بار دیگر به کانون بحث های اقتصادی بازگشته اما آیا واقعاً پول عامل اصلی تورم در ایران است؟ بررسی تحولات ارزی و ساختار اقتصاد نشان می دهد ریشه بخش مهمی از تورم، نه در افزایش نقدینگی، بلکه در جهش نرخ ارز و افزایش هزینه های تولید نهفته است. وقتی دمای بدن بیمار بالا می رود، هیچ پزشک با دانه ای یخ روی پیشانی نمی گذارد و بیماری را درمان شده اعلام نمی کند. تب نشانه است، نه علت. اقتصاد ایران در سال های اخیر با چنین سوءتفاهمی روبه رو بوده است. نقدینگی، همچون همان تب، نشانه ای از التهابی عمیق تر تلقی شده و بسیاری از تجویزهای سیاستی، به جای ریشه یابی بیماری به مهار همان نشانه بسنده کرده اند. انتشار آمار متغیرهای پولی سال ۱۴۰۴ بار دیگر همان بحث آشنا را به صفحات روزنامه ها و میزهای کارشناسی بازگرداند. رشد پایه پولی و نقدینگی بالاتر از سال های پیشین ثبت شد و بلافاصله، طبیبی از تحلیل ها، این رشد را زنگ خطر تورمی ده های آینده خواندند. این واکنش در نگاه نخست، منطقی به نظر می رسد. نقدینگی و تورم در بلندمدت رابطه ای شناخته شده دارند اما مسئله از جایی آغاز می شود که این رابطه، به یک رابطه علی کسویه و مکانیکی تقلیل پیدا می کند. گویی نقدینگی همواره علت است و هرگز معلول نیست.

منطق نسخه رایج

جریان غالب اقتصاد، در برابر این تشخیص، پنج توصیه سیاستی را پیش می نهد که هر کدام به ظاهر مستقل اما در باطن، از یک ریشه فکری تغذیه می شوند. نخست، متوازن سازی بودجه از طریق کاهش یارانه ها، تقویت پایه های مالیاتی و کوچک سازی پیکره دولت است. دوم، استقلال بانک مرکزی از دولت، به گونه ای که خزانه داری دیگر نتواند به سادگی از منابع بانکی استقراض کند. سوم، افزایش نرخ بهره برای سرد کردن اقتصاد و کاستن از انگیزه تسهیلات گیری است. چهارم، اصلاح یا تعطیلی بانک های ناتراز که با خلق پول بدون پشتوانه، فشار ضاعفی بر پایه پولی وارد می کنند و پنجم، حرکت به سمت نظام ارزی شناور یا شناور مدیریت شده و کنار گذاشتن ارز ترجیحی است.

هیچ کدام از این پنج توصیه، فی نفسه نادرست یا بی فایده نیست. مشکل جایی دیگر نهفته است. در این که هر پنج مسیر، از زاویه ای واحد به مسئله می نگرند و آن زاویه مدیریت سمت تقاضاست. به بیان ساده تر، منطق پنهان این نسخه ها آن است که اقتصاد ایران بیش از ظرفیت خود تقاضا تولید کرده و باید این تقاضا را ولو به بهای رکود تعدیل کرد. دولت باید کمتر خرج کند، بانک باید کمتر وام دهند، مردم باید با بهره بالاتر کمتر مصرف کنند. حاصل جمع همه این توصیه ها، در انقباض پولی در کل اقتصاد تلقی می شود.

نتی که از بیرون آمده است

اکنون باید پرسید آیا واقعاً منشأ تورم ایران در این سال ها افزایش بی رویه تقاضای داخلی بوده است؟ آمارها پاسخ دیگری می دهند. از مهر ۱۴۰۳ تا اسفند ۱۴۰۴، نرخ ارز در بازار غیررسمی از حدود شصت هزار تومان به مرزهای صد و هفتاد هزار تومان رسید. نرخ ارز رسمی نیز از حدود چهل و پنج هزار تومان به بیش از صد و سی و هفت هزار تومان جهش کرد. نرخ ارز تخصیصی برای واردات کالاهای اساسی هم از ۲۸۵۰۰ تومان به نزدیک ۱۲۰ هزار تومان صعود کرد. این ارقام، تصادفی یا حاشیه ای نیستند. ستون فقرات قیمت گذاری در اقتصاد هستند که بیش بزرگی از مواد اولیه، ماشین آلات و کالاهای واسطه ای اش وارداتی است.

در چنین شرایطی، انتظار ثبات قیمت ها از دولت و بانک مرکزی، انتظاری است شبیه به خواستن از کشتزاری که با آب شور آبیاری می شود تا محصولی سالم بدهد. وقتی نهاده اصلی تولید، یعنی ارز، هر چند ماه یک بار جهشی چند ده درصدی را تجربه می کند، بنگاه اقتصادی چاره ای جز انتقال این هزینه به قیمت تمام شده کالا ندارد. این همان چیزی است که در ادبیات اقتصادی «تورم فشار هزینه» نامیده می شود. تورهی که از سمت عرضه و هزینه تولید سرچشمه می گیرد، نه از فواری بی ضابطه تقاضا. تجربه تاریخی ایران، از دهه هفتاد شمسی تا امروز، بارها همین الگوار بازتولید کرده است.

هر جهش ارزی، با فاصله ای کوتاه، به جهش قیمت کالاها منتقل شده؛ در حالی که رشد نقدینگی در بسیاری از این دوره ها، حتی از رشد نرخ ارز عقب مانده است.

پول به مثابه پیامد نه پیشران

نکته ای که در نسخه های رایج نادیده گرفته می شود، ماهیت درون زای پول در اقتصادهایی مانند ایران است. در نگاه ساده شده، بانک مرکزی همچون شیرآبی تصور می شود که هر قدر بخواهد می تواند آن را باز یا بسته نگه دارد و نقدینگی، محصول اراده مستقل سیاست گذار است. اما واقعیت پیچیده تر است. بخش قابل توجهی از رشد نقدینگی در سال های اخیر، از دل استقرار دولت برای جبران کسری بودجه سربرآورده اما این استقرار خود معلول کاهش درآمدهای ارزی، افت صادرات نفتی و فشار تحریم هاست، نه صرفاً بی انضباطی مالی. به بیان دیگر، بسیاری از عواملی که به رشد پایه پولی دامن زده اند، خود از دل همان بی ثباتی ارزی و فشارهای بیرونی برخاسته اند. حلقه ای که اگر از جای اشتباه آن را باز کنیم، هرگز گشوده نمی شود. بانک های ناتراز نیز داستان مشابهی دارند. عدم تعادل منابع و مصارف در نظام بانکی، اغلب پیامد سرکوب مالی، تسهیلات تکلیفی و بدهی های دولت به بانک هاست، نه صرفاً سوءمدیریت بانکی. اصلاح این بانک ها ضروری است اما اگر بدون توجه به علل ساختاری آن انجام شود، فقط به تعطیلی و انتقال بحران از یک نهاد به نهاد دیگری انجامد. وقتی داری تجویز شده متناسب با بیماری واقعی نباشد، بیمار نه فقط بهبود نمی یابد، بلکه ممکن است دچار عوارض جانبی سنگین تری شود. سیاست های انقباضی صرف، در غیاب حل مسئله نرخ ارز، همین نقش را ایفا می کنند. کاهش هزینه های دولت، اگر به معنای توقف سرمایه گذاری های زیربنایی باشد، ظرفیت تولید آینده کشور را کاهش می دهد. افزایش نرخ بهره، اگر بدون توجه به شرایط واقعی بنگاه ها انجام شود، هزینه تأمین مالی تولید را بالا می برد و همان بنگاهی را که باید تورم فشار هزینه را جذب کند، به ورشکستگی نزدیک تر می کند. نتیجه نهایی رشد اقتصادی کمتر، اشتغال کمتر و در نهایت، افت محسوس درآمد واقعی خانوار هاست. همان ده فی که هیچ سیاست گذار دلسوزی آن را نمی خواهد.



تئاتر چند جانبه در عصر سلطه ارزی

جعفر صامی

پژوهشگر اقتصادی

✂ در شرایطی که جنگ، تحریم و محدودیت‌های بانکی دسترسی ایران به مسیرهای متعارف تجارت خارجی را با چالش مواجه کرده، تئاتر چندجانبه به عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌های حفظ جریان واردات و صادرات مطرح شده؛ سازوکاری که با حذف نیاز به تسویه دلاری و خالص سازی بدهی‌ها، می‌تواند بخشی از فشارهای ژئواکونومیک بر اقتصاد ایران را کاهش دهد. جنگ اخیر ایران با آمریکا و اسرائیل و اعمال محاصره دریایی علیه ایران، بار دیگر نشان داد که در منازعات امروز، اقتصاد و تجارت به اندازه میدان نبرد اهمیت دارند. وقتی دسترسی یک کشور به مسیرهای دریایی، شبکه‌های بانکی و کانال‌های پرداخت بین‌المللی هدف قرار می‌گیرد، پرسش اصلی دیگر فقط نحوه فروش کالا نیست، بلکه این است که چگونه می‌توان جریان واردات و صادرات را در شرایط فشار حفظ کرد. در چنین شرایطی، تئاتر چند جانبه از یک بحث صرفاً نظری فراتر می‌رود و به یکی از سازوکارهای قابل توجه برای تداوم تجارت خارجی تبدیل می‌شود.

پول؛ ابزار مبادله یا هر ژئواکونومیک؟

برای درک ضرورت گذار به سازوکارهای جایگزین، ابتدا باید ماهیت سلطه ارزی در جهان امروز را شناخت. امروزه پول صرفاً یک وسیله ساده برای پرداخت نیست، بلکه رکن اصلی معماری قدرت و یکی از برنده‌ترین سلاح‌های ژئواکونومیک محسوب می‌شود. کشوری که تسلط بر ارز جهان‌روا و زیرساخت‌های تسویه را در اختیار دارد، به راحتی می‌تواند شریان‌های تجاری دیگر کشورها را مسدود کرده و اقتصاد آن‌ها را فلج کند. برای درک ابعاد این سلطه پلامنابع، نگاهی به گزارش رصد یوان سوئیتف در دسامبر ۲۰۲۵ بسیار روشنگر است. براساس این گزارش، سهم دلار آمریکا از ارزش کل پرداخت‌های جهانی معادل ۴۶.۷۷ درصد است. اهمیت این رقم زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم اگر پرداخت‌های درون منطقه یورو از این محاسبات کنار بگذاریم، سهم دلار در پرداخت‌های بین‌المللی به رقم خیره‌کننده ۵۷.۰۳ درصد ارتقا می‌یابد. این داده‌های آماری به وضوح نشان می‌دهند که هرگونه محدودیت در دسترسی به تسویه دلاری، ضربه‌ای مستقیم و مهلک به تداوم تولید داخلی، امنیت غذایی و دارویی و جریان تجارت خارجی است. همین انحصار است که اقتصادهای تحت فشار را ناگزیر ساخته تا با جدیت به دنبال کاهش وابستگی به مسیرهای مالی غربی باشند. باید توجه داشت که تئاتر چندجانبه به معنای بازگشت به دوران مبادله مستقیم کالا یا کالا نیست، بلکه یک مهندسی پیچیده تسویه تجاری است. در این سازوکار، یک شبکه تجاری متشکل از چند کشور شکل می‌گیرد و نهادهای تحت عنوان اتاق پایاپای وظیفه ثبت ارزش صادرات و واردات اعضا را بر عهده می‌گیرد. در پایان هر دوره مالی مشخص، به جای آنکه تک تک معاملات به صورت جداگانه و با انتقال ارز تسویه شوند، تنها مانده نهایی حساب‌ها خالص سازی و تسویه می‌گردد. در این شبکه، صادرکننده و واردکننده لزوماً طرف مستقیم یکدیگر نیستند، بلکه حساب‌های کلان ملی کشورها با یکدیگر تراز می‌شود. این سازوکار، وابستگی به ارز واسط یعنی دلار و شبکه‌های بانکی غربی را در هم می‌شکند و با کاهش شدید نیاز به انتقال ناخالص پول، ریسک انسداد دارایی‌ها و بلوکه شدن منابع ارزی را به حداقل می‌رساند. برای تقریب ذهن، یک سناریوی تجاری را فرض کنید؛ ایران به چین محصولات پتروشیمی صادر می‌کند، هند به ایران دارو و تجهیزات پزشکی می‌دهد، روسیه کدوم مورد نیاز تهران را تأمین کرده و همزمان از چین ماشین‌آلات وارد می‌کند. در یک سیستم متعارف، تمامی این تراکنش‌ها نیازمند ده‌ها عملیات بانکی مجزا بر بستر دلار هستند اما در چرخه تئاتر چندجانبه، مرکز تسویه مرکزی، ارزش تمامی این مبادلات را بر اساس یک واحد حساب مشترک ثبت کرده و در نهایت فقط تراز نهایی بدهی و طلب کشورها را تسویه می‌کند، بدون آنکه حتی یک دلار در شبکه‌های تحت کنترل غرب جابه‌جا شود. لازم به ذکر است که تئاتر چندجانبه تفاوت بنیادین با راهکارهای جایگزین دیگر دارد. تسویه با ارزهای ملی اگرچه وابستگی به دلار را می‌کاهد اما به دلیل محدودیت پذیرش جهانی این ارزها، با چالش‌های جدی مواجه است. طبق گزارش سوئیتف در نوامبر ۲۰۲۵، سهم یوان از پرداخت‌های جهانی با وجود رشد سال‌های اخیر، فقط ۲.۹۴ درصد بوده است. همچنین پیمان‌های پولی دوجانبه با سوآپ ارزی و شبکه‌های جایگزین سوئیتف نظیر سیستم پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین، صرفاً ابزارهایی برای تأمین نقدینگی و پیام‌رسانی هستند و به خودی خود نمی‌توانند جایگزین مکانیسم پایاپای و خالص سازی بدهی‌ها شوند.

درس‌هایی از تجربه‌های جهانی و چالش‌های پیش رو

تسویه چندجانبه مفهومی انتزاعی نیست و پیش از این در مقاطع مختلف تاریخی آزمون خود را داده است. از نظام روبل انتقالی که در فلوک شرق و میان کشورهای عضو شورای تعاونی اقتصادی کومکون در دوران جنگ سرد اجرامی شد تا اتحادیه پایاپای آسیایی که همچنان به عنوان یک نهاد موفق در کاهش هزینه‌های تسویه منطقه‌ای میان چند کشور آسیایی از جمله ایران فعالیت می‌کند، همگی نمونه‌هایی از این مدل هستند.

با این حال، روند‌های جاری در بازارهای مالی بین‌المللی نشان می‌دهند که مسیر ایجاد شبکه‌های مستقل تسویه بسیار ناهموار است. واکاوی داده‌های تبادلات مالی نشان می‌دهد که فعالیت برون مرزی ارزهای جایگزین همچون یوان، ماهیتی به شدت متمرکز و جزیره‌ای دارد؛ به طوری که ۷۹ درصد از کل پرداخت‌های بین‌المللی با این ارز فقط در قطب مالی هنگ‌کنگ انجام می‌شود و سهم همه نقاط دیگر جهان روی هم رفته فقط ۲۱ درصد است. از سوی دیگر، در بازار معاملات نقدی ارز، همچنان مراکز مالی غربی نقش آفریان اصلی هستند. به طوری که بریتانیا با ۳۸.۰۸ درصد و ایالات متحده با ۱۴.۸۰ درصد، بزرگ‌ترین مراکز انجام معاملات نقدی با یوان در خارج از سرزمین اصلی چین محسوب می‌شوند. این آمارها تأیید می‌کنند که ساختار سنتی بازار مالی جهان همچنان بر رویه‌های ارزهای جایگزین نیز سلطه دارد. تجربه ناموفق سازوکار حمایت از مبادلات تجاری اروپا نیز به ما آموخت که بدون وجود اراده سیاسی مستحکم و توانمندی واقعی عملیاتی برای تسویه جریان کالا، هیچ مسیر جایگزینی نمی‌تواند پایدار بماند. برای اقتصاد ایران، تئاتر چندجانبه نباید صرفاً یک تاکتیک کوتاه‌مدت برای دور زدن تحریم‌ها در نظر گرفته شود؛ بلکه باید هسته مرکزی بازار پایاپای معناری تجارت خارجی کشور قرار گیرد. پیوند هوشمندانه ظرفیت‌های صادراتی کشور مانند نفت خام، محصولات پتروشیمی و فلزات اساسی با نیازهای ضروری وارداتی نظیر دارو، غلات، نهاده‌های دامی و ماشین‌آلات صنعتی در قالب یک شبکه پایاپای چندملیتی، می‌تواند بخش عمده‌ای از تجارت ایران را برای همیشه از رادار تحریم‌های بانکی خارج کند.

✂ طی چند سال اخیر بانک مرکزی از طریق مرکز

مبادله ارز و طلای ایران تلاش کرده با استفاده از ابزارهایی مانند حراج شمش طلا و عرضه و پیش فروش سکه، از شدت نوسانات این بازار بکاهد و بخشی از تقاضای سرمایه‌گذاری و سفته‌بازی را به بازار رسمی هدایت کند. گرچه به گفته مسئولان مرکز مبادله ارز و طلای ایران، منطق این سیاست بر افزایش عرضه، کشف شفاف قیمت و کاهش حباب قیمتی استوار بوده، با این حال، تجربه اقتصاد ایران نشان می‌دهد کارایی این ابزارها تا حد زیادی به شش‌رابط اقتصاد کلان وابسته است. به عبارتی، در دوره‌هایی که نرخ ارز با جهش مواجه می‌شود، انتظارات تورمی تشدید می‌شود و قیمت جهانی طلا نیز روند صعودی دارد، افزایش عرضه فیزیکی طلا و سکه به تنهایی توان تغییر مسیر بازار را ندارد و عملاً نتیجه‌ای جز چوب حراج زدن به منابع طلای کشور را نداشته است، موضوعی که از سال ۱۳۸۹ تاکنون بارها تجربه شده و هر بار نیز شکست خورده است.

حجت بین‌آبادی

پژوهشگر حوزه بودجه و مالی

✂ در حالی که نظام بودجه‌ریزی ایران همچنان گرفتار ردیف‌های هزینه‌ای و نبود سازوکار دقیق ارزیابی عملکرد است، تجربه فرانسه نشان می‌دهد عبور از بودجه‌محوری به سمت هدف‌محوری می‌تواند مسیر شفافیت، پاسخگویی و کاهش کسری‌های ساختاری را هموار کند؛ الگویی که با اصلاحات تدریجی و بومی‌سازی، می‌تواند نسخه‌ای برای باطرachi حکمرانی مالی در ایران باشد.

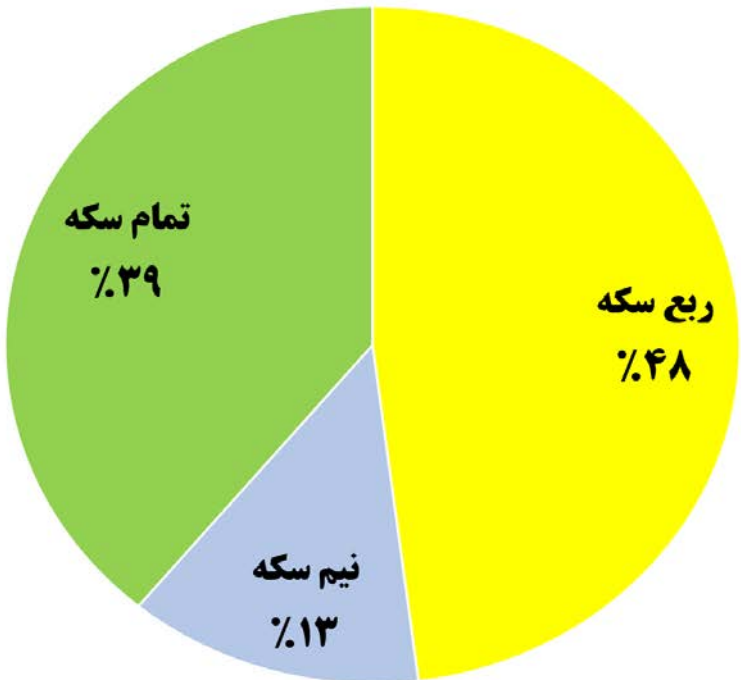
نظام بودجه‌ریزی هر کشور، آیینه تمام‌نمای اراده سیاسی، اولویت‌های توسعه و کارایی دستگاه اجرایی است. در ایران، با وجود تأکید قوانین بالادستی بر بودجه‌ریزی برنامه‌محور و عملکردی، همچنان ساختار بودجه عمدتاً بر پایه ردیف‌های دستگاهی و نوع مخارج (کارمندان، عملیات، سرمایه‌گذاری) تنظیم می‌شود. این شیوه، نه فقط شفافیت را کاهش می‌دهد، بلکه امکان ارزیابی عملکرد و پاسخگویی رانیز دشوار می‌سازد. در این میان، تجربه فرانسه در دو دهه اخیر، به ویژه پس از تصویب و اجرای قانون راکرنیک قوانین مالی موسوم به «لوف» در سال ۲۰۰۱ و اجرای آن از سال ۲۰۰۶، نقطه عطفی در اصلاح ساختار بودجه‌ریزی محسوب می‌شود که می‌تواند برای نظام مالی ایران الهام‌بخش باشد.

ساختار سه‌سطحی بودجه؛ از هزینه‌محوری به هدف‌محوری
پارلمان فرانسه بر اساس هر مأموریت به بودجه رأی می‌دهد و نه بر اساس دستگاه‌های اجرایی. این تغییر، تمرکز بودجه را از این پرسش که «چه کسی هزینه می‌کند؟» به «برای چه هدفی و با چه نتیجه‌ای هزینه می‌شود؟» منتقل کرده است. هر برنامه دارای یک مسئول برنامه است که زیر نظر وزیر مربوطه منصوب می‌شود و یک بسته اعتباری یکپارچه (بدون تفکیک جزئی اقدامات) دریافت می‌کند. این مسئول، در ازای دریافت اعتبار، متعهد به دستیابی به شاخص‌های عملکردی از پیش تعیین‌شده می‌شود و اختیار کامل برای جابه‌جایی اعتبارات بین اقدام‌های مختلف درون برنامه را دارد. این استقلال در تخصیص منابع، همراه با پاسخگویی در قبال نتایج، انگیزه بهینه‌سازی را در مدیران دولتی نهادینه می‌کند. به عنوان نمونه در مأموریت «گار و اشتغال»، چهار برنامه شامل دسترسی و بازگشت به اشتغال، حمایت از تغییرات اقتصادی، بهبود کیفیت روابط کار و طراحی و ارزیابی سیاست‌ها تعریف شده که هر یک دارای شاخص‌های کمی مشخصی هستند.

بازنگارن کلیدی

اجرای موفق این نظام، مستلزم ایفای نقش دقیق

سهم سکه‌های عرضه شده از سوی مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی ایران (درصد)



شکست مرکز مبادله از دلالاتان

چوب حراج بر ۲۱ تن شمش طلا، قیمت ۷ برابر شده است

وضعیت ۹۲ عرضه سکه در مرکز مبادله ارز و طلای بانک مرکزی ایران از اسفند ۱۴۰۲ تا انتهای سال ۱۴۰۴

تاریخ	تعداد مرحله حراج	تعداد سکه فروخته‌شده (قطعه)	قیمت سکه در اولین حراج (تومان)	قیمت سکه در آخرین حراج (تومان)	درصد تغییرات
۱۰ اسفند تا انتهای سال ۱۴۰۲	۱۰ حراج	۱۱۷,۰۷۲۲	۳۴,۰۰۹,۰۰۰	۳۸,۸۰۶,۰۰۰	۱۴
۲۷ فروردین ۱۴۰۳ تا ۲۶ اسفند ۱۴۰۳	۷۲ حراج	۹۵۷,۸۹۰	۴۴,۲۸۰,۰۰۰	۹۰,۵۱۰,۰۰۰	۱۰۴
۵ شهریورماه ۱۴۰۴ تا ۲۰ بهمن ۱۴۰۴	۱۰ حراج	۲۴۹,۰۹۳	۹۱,۵۵۰,۰۰۰	۲۰۱,۰۱۰,۰۰۰	۱۲۰
مجموع	۹۲ حراج	۱,۳۲۴,۷۲۵	۳۴,۰۰۹,۰۰۰	۲۰۱,۰۱۰,۰۰۰	۴۹۱

جزئیات فروش شمش طلا در مرکز مبادله ارز و طلای ایران از ابتدای برگزاری حراج تاکنون

سال	تعداد حراج	حجم طلای معامله‌شده (کیلوگرم)	قیمت در اولین حراجی -تومان به ازای یک کیلوگرم	قیمت فعلی -تومان به ازای یک کیلوگرم	تومان به ازای تغییرات
۱۴۰۲	۱۵	۱,۸۴۰	۳,۶۳۰,۰۰۰,۰۰۰	-	-
۱۴۰۳	۸۲	۱۶,۰۰۰	-	-	-
۱۴۰۴	۴۳	۲,۹۶۷	-	-	-
۱۴۰۵	۱۲	۶۴۴	-	۲۵,۰۹۷,۸۶۸,۰۰۰	-
مجموع	۱۵۲	۲۱,۴۳۱	-	-	-

بودجه‌ریزی به سبک فرانسه؛ الگویی برای اصلاح ساختار مالی ایران



فرانسه از سال ۲۰۰۸ با اصلاح قانون اساسی، مفهوم «قانون برنامه‌ریزی بودجه عمومی» را به رسمیت شناخت. بر این اساس، بودجه دولت با چشم‌اندازی سه‌ساله تدوین می‌شود و سقف مخارج به منظور مأموریت‌های اصلی برای سه سال اول برنامه‌ریزی تعیین می‌شود. این چارچوب میان‌مدت، به مدیران دولتی دید بلندمدت داده و اصلاحات ساختاری را از نوسانات کوتاه‌مدت سیاسی مصون می‌دارد. در این نظام، مجوزهای تعهد و اعتبارات پرداخت به عنوان دو ابزار مجزا تعریف می‌شوند تا کنترل دقیق‌تری بر تعهدات مالی دولت و پرداخت‌های نقدی اعمال شود. این رویکرد، پایداری مالی و کاهش کسری ساختاری بودجه را در بلندمدت تضمین کرده است.

فرآیند تدوین و تصویب بودجه

فرآیند بودجه‌ریزی در فرانسه از سال قبل آغاز و در دسامبر همان سال خاتمه می‌یابد. نخست‌وزیر در سه‌ماهه اول سال، با ارسال «نامه چارچوب» به وزرا، جهت‌گیری‌های اصلی بودجه سال آینده را ابلاغ می‌کند. سپس طی ماه‌های آوریل تا ژوئن، کنفرانس‌های بودجه و جلسات فنی بین وزارتخانه‌ها و اداره بودجه برگزار شده و مذاکرات بر سر اعتبارات کرده و سقف نهایی اعتبارات هر وزارتخانه را تعیین می‌کند. در آن دستگاه‌های اجرایی ملزم به توضیح تهیه و پس از تأیید هیات دولت، حداکثر تا اولین سه‌شنبه ماه اکتبر به مجلس ملی تقدیم می‌شود.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده از حراج‌های مرکز مبادله ارز و طلای ایران، این مرکز طی چهار سال اخیر در مجموع ۱۵۲ مرحله حراج شمش طلا برگزار کرده که طی آن، ۲۱ هزار و ۴۳۱ کیلوگرم طلای استاندارد یک کیلوگرمی (با عیار ۹۹۵) به فروش رسیده است. بر اساس این داده‌ها، به‌رغم فروش ۲۱,۴ تن شمش طلا در این مرکز، قیمت شمش طلای یک کیلوگرمی (با عیار ۹۹۵) از ۳ میلیارد و ۶۰۳ میلیون تومان در اولین عرضه (به تاریخ چهارشنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۲) با رشد نزدیک به ۷ برابری به حدود ۲۵ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در روزهای اخیر رسیده است.

جهش ۵۰۰ درصدی قیمت سکه با وجود حراج ۱,۳ میلیون قطعه سکه

علاوه بر عرضه شمش طلا، مرکز مبادله ایران از ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۲ تا اسفند ۱۴۰۴ در مجموع یک میلیون و ۳۲۵ هزار قطعه سکه نیز پیش فروش کرده که سهم تمام سکه ۳۹ درصد، ربع سکه ۴۸ و نیم‌سکه ۱۳ درصد بوده است. عرضه بیش از ۱,۳ میلیون قطعه سکه در این دوره در حالی است که طی این مدت قیمت سکه از ۳۴ میلیون تومان در اولین عرضه با رشد ۴۹۱ درصدی به بیش از ۲۰۱ میلیون تومان در آخرین عرضه رسیده است.

در مجموع، داده‌های رسمی نشان می‌دهد افزایش عرضه فیزیکی طلا و سکه از سوی مرکز مبادله ارز و طلا، بدون کنترل متغیرهای بنیادین اقتصاد، توان تغییر مسیر بازار را ندارد. تا زمانی که نرخ ارز، تورم و انتظارات تورمی محرک اصلی قیمت‌ها هستند، عرضه چند تن شمش با صدها هزار قطعه سکه تنها می‌تواند بخشی از تقاضای روز بازار را پاسخ دهد و نه روند قیمتی را معکوس کند.

به همین دلیل، با وجود برگزاری ۱۵۲ حراج شمش و عرضه بیش از ۱,۳ میلیون قطعه سکه، بازار طلا همچنان مسیر صعودی خود را ادامه داده است. این تجربه نشان می‌دهد سیاست عرضه، اگر با ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی همراه نباشد، بیش از آنکه یک ابزار مؤثر برای کنترل قیمت باشد، چوب حراجی به منابع طلای بانک مرکزی خواهد بود.

داده‌های رسمی نشان می‌دهد افزایش عرضه فیزیکی طلا و سکه از سوی مرکز مبادله ارز و طلا، بدون کنترل متغیرهای بنیادین اقتصاد، توان تغییر مسیر بازار را ندارد

وزمان رأی‌گیری نهایی فاصله کافی وجود داشته باشد تا کمیسیون‌های تخصصی فرصت برگزاری جلسات استماع و دریافت پاسخ از وزارتخانه‌ها را پیدا کنند.

۱.۳ ارتقای نقش دیوان محاسبات به ارزیابی عملکرد؛ با الگوبرداری از تجربه فرانسه، نقش دیوان محاسبات کشور از کنترل صرفاً مالی به ارزیابی عملکرد و تأیید صحت حساب‌های سالیانه ارتقا پیدا کند. قانونی تصویب شود که دیوان محاسبات را موظف کند هر سال گزارش‌های میزان تحقق شاخص‌های عملکردی برنامه‌ها تهیه و همراه با پیشنهادها، اصلاحی به مجلس ارائه کند. این اقدام، قوه مقننه را در نظارت مؤثر بر مجریه توانمند می‌کند.

۴. حرکت به سوی بودجه‌ریزی چندساله؛ با توجه به نوسانات شدید درآمدی در ایران، طراحی یک چارچوب مالی میان‌مدت که شامل سقف مخارج کل و بخشی برای یک دوره سه‌ساله باشد، می‌تواند از انبساط‌های ناگهانی بودجه در دوره‌های رونق درآمدی جلوگیری کند و اصلاحات ساختاری را در افق چندساله ممکن کند. این کار مستلزم ایجاد سازوکارهایی برای تعیین سقف مخارج چندساله در قوانین برنامه توسعه و الزام دولت به رعایت مسیر اعلام‌شده است.

۵. آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی و استقرار سس‌نامه‌های اطلاعاتی؛ تحقق این اصلاحات عمیق، بدون آموزش گسترده مدیران ارشد و میانی دستگاه‌های اجرایی در زمینه بودجه‌ریزی عملیاتی، شاخص‌سازی و گزارش‌دهی عملکرد، امکان‌پذیر نیست. همچنین استقرار سامانه‌های یکپارچه اطلاعات مالی و عملکردی که امکان ارتباط و مشارکت فعال کارشناسان است. تغییر از بودجه‌ریزی سنتی به بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و به‌لحاظ در چند دستگاه منتخب آغاز شود. نظام بودجه‌ریزی فرانسه نشان می‌دهد که اصلاحات اساسی در این حوزه، بیش از هر چیز نیازمند اراده سیاسی قوی، هماهنگی بین قوا و مشارکت فعال کارشناسان است. تغییر از بودجه‌ریزی سنتی به بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد و مأموریت، توزیع اعتبارات بین برنامه‌های درون آن را اصلاح کند. همچنین زمان بررسی بودجه باید به گونه‌ای تنظیم شود که بین ارائه لایحه توسط دولت به مجلس و تصویب آن فاصله کم باشد.